

آشفته خوانی‌های موسیقی امروز
نقدی و گذری بر موسیقی و پیشینه آن با بررسی و
اسب‌شناسی (pathology) موسیقی امروز

نویسنده : سالار عبدی

مصحح و ویراستار : هدی مافی

۱۳۹۲

سرشناسه : سالار عابدی

عنوان و نام پدید آورنده : آشفته خوانی های موسیقی امروز (نقدی و گذری بر موسیقی و پیشینه آن

با بررسی و آسیب شناسی (pathology) موسیقی امروز) . سالار عابدی

مشخصات نشر : تهران . نسیم دانش فردا

مشخصات ظاهری : ۱۴۰ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۸۳۱-۱-۸

وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع : پژوهشی موسیقی - قرن ۱۴.

رده بندی کنگره : ML۳۴۴/۵/۴۲ / ۵۱۳۹۰

شماره کتابشناسی ملی : ۲۵۷۰۵۰۴

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۷۸۰

آشفته خوانی های موسیقی امروز (نقدی و گذری بر موسیقی و پیشینه آن با بررسی و آسیب شناسی

(pathology) موسیقی امروز)

سالار عابدی

مدیر هنری و صفحه آرا : مهدی علیزاده

طراح جلد و ویراستار : هدی مافی

چاپ اول : ۱۳۹۳

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

قیمت : ۱۱۰۰۰ تومان

انتشارات : نسیم دانش فردا

نسیم دانش فردا



مرکز پخش : میدان کرج ، انتهای خیابان بیمارستان امام خمینی ، مجتمع سور ، پلاک ۱۹

Salarabdi32@gmail.com

۰۹۱۰۹۴۱۸۴۱۸

عشاق کرشمه ات نهان می آیند
از شور غمت ، موی کنان می آیند

زیرا کن اوج تو شده صدر نوا
تحریر زن و جامه دران می آیند..!

تقدیم به حضور مسلط عشق و جنون

شکسته مادرم دردانه تمثیل شکیبایی

به اوج ناامیدی از امید و آرزو سرشار

چه صبری مادرم دارد! چلیپایی و دریایی

و هدی! دختر یک دانه غزل

و همه دل به جنون سپردگان

فهرست مطالب

۸	مقدمهٔ مولف (چند کلمه ای با خوانندگان آثارم).....
۱۴	نقدی و گذری بر موسیقی و پیشینهٔ آن با بررسی و آسیب شناسی (pathology) موسیقی امروز.....
۴۷	وضعیت نابسامان ترانه سرایی در ایران.....
۵۴	چرا نسل جدید خوانندگان موسیقی سنتی درجا می زنند؟.....
۶۰	گروه موسیقی رستاکا گروهی که دیگر همه می شناسند!!.....
۶۴	به دنبال هوایی تازه در موسیقی با صدای سالار عقیلی.....
۶۹	صدای نو برای خوانندگان سنتی (نگاهی به وضعیت آواز و تصنیف خوانی اصیل ایرانی).....
۷۴	گزارشی از کم سن و سال ترین نایندگان موسیقی ایران و جهان.....
۷۶	موسیقی در کلام برخی بزرگان اندیشه:.....
۸۳	تاثیر اعجاب برانگیز موسیقی بر مولکول های آب.....
۹۰	آشنایی با برخی از بزرگان موسیقی :.....
۹۰	آقا علی اکبر فراهانی.....
۹۱	علی اکبر خان شهنازی.....
۹۲	عبدالحسین شهبازی.....
۹۳	احمد عبادی.....
۹۴	علینقی وزیری.....
۹۴	روح الله خالقی.....
۹۶	غلامحسین درویش.....
۹۸	ابوالحسن صبا.....
۱۰۰	محمود کریمی.....
۱۰۱	فرامرز پایور.....

۱۰۲	علی تجویدی
۱۰۳	عبدالوهاب شهیدی
۱۰۳	جواد معروفی
۱۰۴	غلامحسین بنان
۱۰۶	حسین علیزاده
۱۰۷	همایون خرم
۱۰۸	سید خلیل عالی نژاد
۱۱۰	محمود محمودی کوانتماری
۱۱۱	محمد رضا شجریان
۱۱۳	ایرج بسطامی
۱۱۵	پرویز صدیقی پارسى مشهور به پرویز یاحقی
۱۱۷	حسین خواجه امیری متخلص به ایرج
۱۱۸	محمد رضا لطفی
۱۲۰	پرویز مشکاتیان
۱۲۱	حمید متبسم
۱۲۲	فرهنگ شریف
۱۲۲	داریوش پیرنیاکان
۱۲۴	حسین قوامی
۱۲۶	تغییر مزاج موسیقی :
۱۳۵	منابع و مراجع

مقدمهٔ مولف (چند کلمه‌ای با خوانندگان آثارم)

عشاق ، مرا شکسته می‌پندارند

با ساز مخالف، اوج برمی‌دارند

من دست همایون تو را می‌بوسم

بیداد موالفان اگر بگذارند!

عشاق: گوشه‌ای در راست پنج‌گاه،

شکسته: گوشه‌ای در ساهو،

مخالف: گوشه‌ای در سه‌گاه و چهارگاه،

همایون: نام دستگاه موسیقی،

بیداد: گوشه‌ای در همایون،

موالف: گوشه‌ای در همایون.

بحث درازدامن موسیقی بحثی نیست که برای آن ابتدا و انتهای متصور بود! و من در این مجموعهٔ اخیر قصد ندارم تا مثل بیش تر بحث‌های منطقی، آغاز و پایانی بر آن فرض کنم که به عقیدهٔ من، چنین بحث‌هایی را از هر کجا که بی‌آغازی در واقع دیر است و به هر کجایی که ختم کنی، زود! اما به هر حال در این مجموعه، سعی کرده‌ام تا به فراخور داشته‌ها و آموخته‌هایی که همواره از ناچیزی و اندکی، در پرده‌ای از شرم ساری رخ گرفته‌اند، نقدی داشته باشم بر حال و روز موسیقی امروز، چند و چون آن و نقاط ضعف و قوتی که به نظر ناقص رسیده است، همین و بس...!!

در ایران باستان هنگام برآمدن و فرو رفتن خورشید گروهی به نواختن طبل و کوس و کرنا می‌پرداختند. در اوستا بخش یسناها آمده که پزشکان

بیماران خود را با موسیقی ایرانی درمان می‌کردند. در آن دوران سه نوع موسیقی آئینی (دینی)، بزمی و رزمی مرسوم بوده است، هم چنین در جشن‌های طبیعت و روزهای تاریخی و ملی، نواها و موسیقی ایرانی ویژه‌ای اجرا می‌شده است. در دوران هخامنشی سرودها و ترانه‌هایی به نام هوره در جنگ‌ها و جشن‌ها اجرا می‌کردند که امروزه در ایلام و سرزمین‌های غرب ایران با همین نام رایج است. در دوران ساسانیان به ویژه بهرام گور و خسرو پرویز، موسیقیدان‌هایی زیر نظر وزیر دربار خرم باش کار می‌کردند. در جشن‌های بزرگ، این نوازندگان و خنیاگران، نواها و آهنگ‌های گوناگون اجرا می‌کردند. در شاهنامه آمده بهرام گور نوداد ده هزار لوری (خنیاگر) از هند برای شادی و پایکوبی مردم به ایران آورد.

نبد هیچ مانند بهرام گور به داد و بزرگی و فرهنگ و زور

و بدین سان از دیر باز در سرزمین ما ایران بزرگ و باشکوه، موسیقی از عزت و اقتدار ویژه‌ای بهره مند بوده است و همواره بخش تفکیک ناپذیر و مهمی از زندگی‌های مردم ادوار و اعصار مختلف به شمار می‌آمده و در همه شئون و عرصه‌های زیستن‌شان، چه شادی، چه غم و اندوه و مرثیه، نقشی فعال و بی‌بدیل داشته است!

و اما موسیقی اصیل یا سنتی امروز ما که یادگار همین دوران طلایی و شکوه مند ایران باستان نیز هست نیز دارای گفته‌ها و ناگفته‌های فراوانی است که با وجود این که بسیاریا در چند و چون و احوالاتش، کتاب و مقاله و کار پژوهشی در موردش انجام شده است اما هنوز هم که هنوز، رخ پرده‌مستوری دارد و نیازمند نگاهی جدی و نقاب افکن است تا جلوه‌هایی بیش‌تر از فرّ و شکوه و عظمت خود را به رخ بکشد!

شاید بتوان گفت هر موسیقی دان واقعی بدون آن که خود بداند عارف

بزرگی است. ریاضتی که برای یادگیری گوشه های ردیف می کشد و با تلاش بی مثالی که برای یافتن حقیقت در نغمات و اصل ردیف و آن ظرافت هایی که در ردیف است از خود نشان می دهد او را تبدیل به عارف وارسته ای می کند. موضوع مهم دیگری که باید بدان توجه کرد این است که برای دست یافتن به ذات ردیف حتما باید استادی داشت تا با راهنمایی استاد به حقیقتی که در ذات ردیف نهفته است دست یافت و این حقیقت نوشتنی نیست بلکه رسیدنی است تا به وسیله بشتکار، ایمان و حس حقیقت جویی و رای اشیاء، شاگرد یا هنرجوی موسیقی بدل دست یابد.

موسیقی دان باید همیشه در حال باز شناختن شناخته های خود باشد تا به درک بیشتری از موسیقی نایل شود و هر روز نسبت به روز قبل به اصل آن نزدیک تر شود و این باز شناختن که یکی از معانی عرفان است در موسیقی همان تکرار است که اکثر موسیقی دان های ایرانی می دانند از اهمیت خاصی در موسیقی و ردیف برخوردار است و موسیقی دان با تکرار گوشه های ردیف در اصل به تصفیه درون خویش و کنار رفتن ابر درون و شناخت خویش نائل می شود که در اصل همان شناخت باری تعالی و رسیدن به ذات اقدس خداوند است و این تکرار در عرفان از اهمیت خاصی برخوردار است در عوارف المعارف آورده شده که امام جعفر صادق (ع) در وقت نماز ناگهان بی هوش بیفتاد، پرسیدند که سبب چه بود؟ فرمود آیتی است که قرآن را چندان تکرار کردم که عاقبت آن را از حق شنیدم.

موسیقی ایرانی به بشر کمک می کند که پاک زندگی کند و در صلح و آرامش بدون هر گونه تعصبی و کدورتی به سر ببرد. موسیقی اسبیل و عرفانی ما محدود مطلق را به نامحدود مطلق تبدیل می کند. شهوت را به عشق، ستم را به رافت و کینه را به مهربانی و به طور کلی تمام مظاهر بد و اختلاف انداز را به جلوه های نیک تبدیل می کند.

یکی از جهات تعالی و تزکیه موسیقی ما این است که در این هنر بین دو

نوع از موسیقی که یکی بازگشتن به عبودیت الله، توحید و سماع عارفانه است و دیگری که رجوعش به عبودیت از نفس اماره است تمایز قائل شده است در موسیقی ایرانی شخص مطرح نیست چه کسی می نوازد و چه کسی می شنود هر دو یکی اند هم شنونده و هم نوازنده باید عارف باشند تا از موسیقی لذت ببرند و در جهت و هدف اصلی که همان کشف حقیقت است نزدیک شوند.

البته در این بحثی که به شکلی اجمالی بیان شد، قصد تعریف و تبلیغ یک نوع موسیقی و رد انواع دیگر آن را نداریم. چه، موسیقی در هر لباس و پوششی که باشد، اگر به شعور جنون آغشته باشد، رسالت خود را به انجام می رساند هر چند موسیقی نیز چون سایر انواع هنر که هر کدام، جلوه هایی از زیبایی با نسبت متغیر به جمال می روند، هدف شان کشف رمز و راز زیبایی نیست! چه، زیبایی تا وقتی زیباست که علت و هدف آن کشف نشده باشد و از وقتی این کشف، اتفاق افتاد، دیگر از صب زیبايان به کناری نهاده می شود!

پس موسیقی نه وسیله ای و نه هدفی را نمایندگی می کند اما هر دوی آن ها را در ذات خود مستتر کرده است. یعنی می توان با موسیقی به هر آن کجا که شاید و باید رسید و نرسید! به بیان دیگر، نباید از موسیقی انتظار داشت که راکب خود را در ایستگاه مشخصی سوار نموده و در ایستگاه معینی پیاده کند بل که هر شخصی به فراخور حال و روزگار خود، مبدا و مقصد را بدون آن که مشخص کند، به حواله از مرکب خویش دریافت می کند و این است وجه تفوق و تفرق موسیقی با سایر هنرها!

محسن قانع بصیری، نویسنده ارزش مند، در سلسله مقالاتی در این باب به مطالب جالبی اشاره می کند، درک موسیقی بدون درک زمان امکان ناپذیر است. این موسیقی است که در میدانی از استمرار زمانی محدود ظاهر می شود، بنابراین لازم است پیش از بررسی این هنر به موضوع زمان بپردازیم اگر زمان حال یا اکنون (دم) را لحظه تجلی دو زمان گذشته و آینده تعریف کنیم. در این

صورت تمامی اشکال شناخت و معرفت شناسی بشر حاصل هم زمانی دو زمان گذشته و آینده در همین اکنون است، ظهور خواهد کرد. گذشته، همان عقل است. عقل حاصل تجربیات انجام شده بوده در مقابل، آینده همان آرزومندی یا عشق است. آینده هنوز به دفتر نیامده است

بشوی اوراق اگر هم درس مایی

که درس عشق در دفتر نباشد

عشق و آرزومندی به همان صورت که زاینده معرفت بر زیبایی می باشند؛

حاصل چنین تجلی زمانی هستند.

باز هم به حافظ مراجعه کنیم

ز من بنیوش و دل بر شاهدی بند

که حسنش بسته زیور نباشد

در مقابل عقل حاصل میدان محدود تجربیات گذشته است (هر چه که به میدان اکنون بیاید از جنس گذشته می شود). از این رو عقل، خشک و جزم است حکم است؛ سرکوب گراست. هیچ احساس خاصی جز قواعد مندرج در خود در بر ندارد.

عقل می خواست کز آن شعله چراغ افروزد

برق حیرت بدرخشید و جهان بر هم زد

تنها ظهور حیرت در برابر زیبایی است که موجب شکستن غرور عقل می شود. اگر عقل در مقام چراغ مقابل نشیند چیزی جز تکراری محافظه کارانه نمی آفریند."

و بدین سان می بینیم که موسیقی را با ابزار عقل، کارچندان کارستانی نیست و همواره از قامت کوتاه و ناموزون عقل در گله و شکایتی دایمی ست! و اصولا هنر در هر نوع و جنسیتش، حالی می طلبد از تیره جنون و بی خویشی که بتواند بر عقل مصلحتی بشورد و خودی بنماید و در صدر نشیند! بگذریم که حرف و سخن برای گفتن کم نیست و مجال همواره اندک!

و اما در این مجموعه، دوستان و همراهان مهربان من چند مقاله از من که در روزنامه‌های داخلی و نشریات و سایت‌های از این دست در طول سال‌های اخیر مطالعه نموده‌اند را خواهند خواند. امید که بتوانم این شب بیداری‌ها و خون دل خوردن‌هایم را به نتیجه مطلوب رضایتی هر چند اندک از طرف شما خوانندگان نوشته‌هایم پاسخ بینم و مثل همیشه و تا همیشه به رسم مقدمه آثارم، بر خود لازم می‌شمارم از زحمت و بزرگ‌واری اساتید همیشه عزیزم قدردانی و سپاسی ویژه داشته باشم؛ دکتر هشترودی، دکتر سرامی، دکتر حیدر حسنلوی بازنیم، دکتر عقدایی، دکتر شفیعی کدکنی، سلطان حسین منزوی و ...

سالار عبدی

پاییز نود

نقدی و گذری بر موسیقی و پیشینه آن با بررسی و آسیب شناسی (pathology) موسیقی امروز

به صدق کوش که خورشید زاید از نفست
که از دروغ سیه روی گشت صبح نخست
"حافظ"

اصولاً آن چه مرا به نوشتن وامی دارد - چه در حوزه ادبیات ، چه موسیقی و چه هر موضوع مرتبط یا غیرمربط - ، درد و دغدغه ای ست که از سینه ام به انگشتان دستم غلبان می کند و نویسایش می نماید.

مبحث موسیقی و جواشی آن، خاصه در امروزی که به سر می بریم، مبحثی ست پر دامنه و وسعت دار که نمی توان در یک یا چند مقاله چندین صفحه ای جمع و جورش نمود، اما آن چه در پی می آید ، خلاصه و تقطیعی ست از کتابی در دست چاپ از حقیر با همین عنوان و موضوع که در آیم های مختلفی طبقه بندی شده ، از نگره های مختلف این موضوع - موسیقی - ، را به چالش کشیده و بر می رسد.

در این کتاب ، از اتنوموزیکولوژی (روش و زمینه شناخت موسیقی اقوام و ملل) ، بحث آغاز شده است و پس از بررسی اجمالی پیشینه موسیقی ایران و جهان قدیم ، به موسیقی امروز می رسد و بحث اصلی خود را می گسترد و در آن سعی شده است با آسیب شناسی موسیقی معاصر ، در حوزه ها و سبک های مختلف ، مباحث ، با دیدی موشکافانه تحلیل گردد.

چرا موسیقی امروز ما به این حال و روز خطرناک افتاده است؟ آیا این مسیری که الان موسیقی ما در آن حرکت می کند صحیح است؟ اگر هست پس این چه حال و روزی ست و اگر نیست مسیر صحیح کدام است؟ از که باید پرسید و درمان این بی سر و سامانی را خواستار شد؟ نیازهای موسیقایی مردم چه ها و کدام ها هستند و آیا موسیقی امروز در جریان ما توان پاسخ گویی به